

تأثیر کیفیت سود بر اعتبار تجاری

علی ابراهیمی کردلر^{۱*}، منصور طاهری^۲

چکیده

سود همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان شرکت است. در این میان اعتباردهندگان از جمله ذی‌نفعانی هستند که توجه ویژه‌ای به سود و کیفیت آن دارند زیرا اعتباردهندگان درصدد ارزیابی وضعیت مشتریان خود بوده و در پی آن هستند تا آنجا که می‌توانند از زیان جلوگیری کنند. کسب اعتبار نیز می‌تواند نقش مهمی در سیاست‌های تأمین مالی شرکت‌ها داشته باشد. لذا در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار تجاری پرداخته شده است. برای کیفیت سود از دو معیار کیفیت اقلام تعهدی و نوسان‌پذیری سود استفاده شده است. کیفیت اقلام تعهدی با استفاده از مدل دچو و دیچو (۲۰۰۲) و نوسان‌پذیری سود با توجه به پژوهش فرانسویس و همکاران (۲۰۰۴) اندازه‌گیری شده‌اند. نمونه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۸۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین کیفیت اقلام تعهدی و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معناداری برقرار بوده و بین نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اعتبار تجاری، کیفیت اقلام تعهدی، نوسان‌پذیری سود.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۹

* نویسنده مسئول: علی ابراهیمی کردلر

Ali20gol@yahoo.com

۱. مقدمه

اعتبار تجاری^۱ همواره یکی از مسائل مهم در استراتژی‌های شرکت‌ها می‌باشد. اعتبار تجاری توافقی بین خریدار و فروشنده می‌باشد که به موجب آن فروشنده به خریدار اجازه می‌دهد که وجه کالاهای خریداری شده را با تأخیر پرداخت نماید (میان و اسمیت، ۱۹۹۲).

از جمله مسائلی که در ارتباط با اعتبار تجاری می‌توان به آن اشاره کرد این است که تأمین‌کنندگان با ریسک عدم پرداخت به موقع مواجه خواهند شد، به عبارت دیگر ممکن است مقداری از مطالبات تأمین‌کنندگان سوخت گردد. به منظور داشتن درک صحیح از ریسک‌های موجود در وضعیت اعتباری یک شرکت، صورت‌های مالی نقش بسیار مهمی دارند (پیکه و چنگ، ۲۰۰۱). شرکت‌ها برای داشتن اعتبار تجاری بیش‌تر می‌بایست اعتماد تأمین‌کنندگان را مبنی بر توانایی پرداخت جلب نمایند. در این راستا اطلاعات باکیفیت بالاتر نقش مهمی در جلب اعتماد تأمین‌کنندگان و در نتیجه کسب اعتبار تجاری بیش‌تر بازی می‌کند. دسترسی به اطلاعات باکیفیت‌تر باعث می‌گردد تا تأمین‌کنندگان بتوانند در مورد فعالیت‌های آتی شرکت پیش‌بینی بهتری داشته، در نتیجه تصمیمات مناسب‌تری در ارتباط با اعتبار بخشیدن به مشتریان خود اتخاذ نمایند. سود از جمله مواردی است که تأمین‌کنندگان توجه بسیاری به آن دارند. در واقع می‌توان سود را به عنوان پارامتری در نظر گرفت که حاوی اطلاعات زیادی در مورد شرکت است. گزارش‌های مالی حاوی اطلاعات باکیفیت از جمله سود باکیفیت بالا باعث کاهش مسئله انتخاب نادرست و خطر اخلاقی می‌شود (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). از عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود می‌توان نوسان‌پذیری و کیفیت ارقام تعهدی^۲ را نام برد، بدین معنی که هر چه سود کم‌نوسان‌تر و ارقام تعهدی باکیفیت‌تر باشند، سود ازکیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود. از این رو می‌توان این موضوع را مطرح کرد که شرکت‌هایی که کیفیت سود بالاتری داشته باشند، امکان استفاده از میزان اعتبار تجاری بیش‌تری را دارند. لذا در این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار تجاری پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

اعتبار تجاری زمانی به وجود می‌آید که یک شرکت کالا و خدمات را از عرضه‌کنندگان دریافت می‌کند، بدون اینکه در زمان معامله پول آن را پرداخت نماید. اعتبار تجاری مهم‌ترین منبع تأمین مالی کوتاه مدت می‌باشد (گرتلر و برنانک، ۱۹۹۵).

1. Trade Credit
2. Accruals Quality

در خرید به صورت اعتباری، مشتریان ویژگی‌ها و کیفیت محصولات را نمی‌دانند ولی اعتبار تجاری به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در ارتباط با کمیت و کیفیت کالاهای دریافتی بررسی به عمل آورند (لی و استو، ۱۹۹۳؛ لانگ و همکاران، ۱۹۹۳؛ دیلوف و جگرز، ۱۹۹۶؛ پیکه و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین فروشندگان شرایط اعتباری واقعی خریداران را نمی‌دانند و به همین دلیل ممکن است با مشکل عدم پرداخت در سررسید مواجه شوند. بنابراین شرکت‌هایی که اعتبار تجاری می‌دهند با ریسک پرداخت دیرتر و نکول مواجه می‌شوند. مطالعات پیشین در ارتباط با اعتبار تجاری حاکی از آن است که عدم تقارن اطلاعاتی در تصمیم‌گیری در مورد تأمین مالی یک عامل مرتبط می‌باشد (پترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ شر و هالبرت، ۲۰۰۱؛ نیسکانن، ۲۰۰۶).

در چنین شرایطی عرضه‌کنندگان باید به دنبال اطلاعاتی باشند که بتوانند با استفاده از آن‌ها به ارزیابی وضعیت مشتریان خود بپردازند. یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی که عرضه‌کنندگان از آن استفاده می‌کنند، صورت‌های مالی مشتریان می‌باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که اطلاعات حسابداری با کیفیت بالاتر، برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان سودمند می‌باشد (دیجو و همکاران، ۲۰۱۰). در زمینه عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری مالی با کیفیت انتخاب نادرست و خطر اخلاقی را کاهش دهند (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱).

کیفیت اطلاعات حسابداری از جمله سود حسابداری موجب آسان‌تر شدن شرایط تأمین مالی می‌گردد (بارث و همکاران، ۲۰۰۸) و همچنین اطلاعات با کیفیت، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). باتاچاریا و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سود با کیفیت بالا عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. ارزیابی و تعیین کیفیت سود واحدهای تجاری باعث افزایش امنیت ذی‌نفعان از جمله اعتباردهندگان می‌شود (دستگیر و غنی‌زاده، ۱۳۹۳).

استدلالاتی وجود دارد که به حمایت از این مطلب می‌پردازند که کیفیت سود روی تأمین‌کنندگان اثر می‌گذارد. اول اینکه بر اساس مطالعات پیشین در ارتباط با پیامدهای اقتصادی کیفیت سود، کیفیت سود بالاتر ریسک اطلاعات را کاهش داده و تأمین‌کنندگان بهتر می‌توانند عملکرد آتی شرکت را ارزیابی کنند. دوم اینکه سود با نوسان کم‌تر ریسک شرکت را کاهش می‌دهد، بنابراین به طور مثبت روی ارزش شرکت و شرایط اعتباری با اعتباردهندگان تأثیر می‌گذارد (ترومن و تیتمن، ۱۹۸۸). براساس تحقیق گراهام و همکاران (۲۰۰۵)، اعتقاد بر این است که ذی‌نفعان سود کم‌نوسان را دارای ریسک کم‌تری می‌دانند که سبب سهولت در پیش‌بینی سود آتی می‌شود و اشاره به این مطلب دارد که شرایط تجاری با ثبات بوده و موجب آسانی در شرایط اعتباری می‌گردد. در ادبیات حسابداری دو ویژگی سود مورد توجه قرار گرفته

است (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ دیچو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱) کیفیت اقلام تعهدی که با توجه به جریان‌های نقدی روی دقت سود متمرکز بوده و ویژگی از سود است که بیش‌ترین ارتباط را با کاهش ریسک اطلاعات دارد (۲) نوسان‌پذیری^۱ سود که منعکس‌کننده ثبات سود می‌باشد. با توجه به مطالب مطرح شده، انتظار بر این است که کیفیت سود بر اعتبار تجاری تأثیرگذار باشد.

۳. پیشینه پژوهش

۳.۱. پیشینه خارجی

فراندو و مولیر (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «آیا شرکت‌ها برای مدیریت رشد خود از اعتبار تجاری استفاده می‌کنند؟» و با استفاده داده‌های شرکت‌های مربوط به هشت کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۹ به شواهدی دست پیدا کردند مبنی بر اینکه شرکت‌ها از اعتبار تجاری به عنوان راهی برای مدیریت رشد فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند. همچنین شواهد نشان می‌دهد که میزان استفاده از اعتبار تجاری در کشورهایی که بازارهای مالی کم‌تر توسعه یافته-تری دارند، بیش‌تر می‌باشد.

بوگیاس و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود عوامل تأثیرگذار بر میزان حساب‌های پرداختی را مورد بررسی قرار دادند. بازه زمانی پژوهش آن‌ها از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ بوده است. آن‌ها برای انجام پژوهش خود از شرکت‌هایی که در بخش تولیدی فعالیت دارند، استفاده کردند. نتایج نشان داد که افزایش در تولید منجر به افزایش در استفاده از اعتبار تجاری خواهد شد.

کنات (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان «اعتبار تجاری: عرضه‌کنندگان در جایگاه وصول‌کنندگان و فراهم‌کنندگان بیمه» به بررسی رابطه بین عرضه‌کنندگان و مشتریان پرداخت. دوره زمانی پژوهش وی از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ بوده است. وی بر این اعتقاد است که زمانی که سایر شیوه‌های تأمین مالی به اندازه کافی در دسترس نیست، شرکت‌هایی که رشد سریعی دارند، برای اینکه بتوانند به رشد خود ادامه دهند از طریق اعتبار تجاری به تأمین مالی فعالیت‌های خود می‌پردازند. یافته‌های پژوهش در جهت تأیید فرضیه وی بوده است.

بویسای و گراپ (۲۰۰۷) در پژوهشی که با عنوان «اعتبار تجاری و محدودیت‌های نقدینگی» انجام دادند، رابطه بین اعتبار تجاری و کمبود نقدینگی را طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ در کشور فرانسه مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که شرکت‌هایی که با کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند سعی می‌کنند تا با گرفتن اعتبار تجاری بیش‌تر از عرضه‌کنندگان خود، بخشی از کمبود نقدینگی خود را جبران نمایند.

باتاچارپا و همکاران (۲۰۱۱) رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیویورک را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها پی بردند که با کاهش کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد. عدم تقارن اطلاعاتی باعث افزایش ریسک‌گریز نادرست برای تأمین‌کنندگان نقدینگی می‌گردد که این امر می‌تواند باعث کاهش نقدینگی گردد.

۳.۲. پیشینه داخلی

دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود) با کیفیت ارقام تعهدی را بررسی کردند. نمونه شامل ۹۵ شرکت در طول دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۶ می‌باشد. معیار اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی در این تحقیق، ارقام باقیمانده رگرسیون تغییرات سرمایه در گردش بر روی جریان‌های نقد عملیاتی یک دوره گذشته، دوره جاری و یک دوره آتی است، به طوری که بالا بودن انحراف معیار ارقام باقیمانده نشان دهنده پایین بودن کیفیت ارقام تعهدی است. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت سود (پایداری سود) با کیفیت ارقام تعهدی رابطه مستقیم دارد.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۱) بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در نظر گرفتند. برای سنجش کیفیت سود از دو الگوی دچو و دیچو (۲۰۰۲) و الگوی اسلوان (۱۹۹۶) استفاده شده است. نمونه آماری شامل ۵۹ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸ است. نتایج نشان می‌دهد که بین میزان کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط معناداری وجود دارد و کاهش کیفیت سود منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

نیکومرام و امینی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «کیفیت سود و هزینه سرمایه» به بررسی رابطه بین کیفیت سود حسابداری و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. نمونه آن‌ها شامل ۳۰۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت سود دارای یک رابطه منفی معنی‌دار با هزینه حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

حقیقت و معتمد (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود پرداختند. تحقیق مورد نظر اطلاعات ۱۶۵ شرکت بین سال‌های ۷۴ تا ۸۷ را در بر می‌گیرد. یافته‌ها بیانگر ارتباط منفی بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود در افق‌های کوتاه مدت و بلند مدت است. قربانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت سود بر تغییرات بازده غیر متعارف سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای انجام این پژوهش از اطلاعات ۶۹ شرکت در بازه زمانی ده ساله طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ استفاده

شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت سود بر تغییرات بازده غیر متعارف سهام تأثیری معکوس دارد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۳) طی تحقیقی به بررسی رابطه کیفیت سود و تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق از ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین معیار کیفیت سود و میزان تعدیلات سنواتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش کیفیت سود باعث کاهش میزان تعدیلات سنواتی در سال‌های آتی می‌شود.

۴. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه ۱: بین کیفیت ارقام تعهدی و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲: بین نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

۵. روش‌شناسی پژوهش

در این قسمت ابتدا مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها تشریح می‌گردد. سپس نحوه اندازه‌گیری متغیرها بیان گردیده و نهایتاً جامعه آماری، نمونه و قلمرو زمانی پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این پژوهش از دو معیار کیفیت ارقام تعهدی و نوسان‌پذیری سود به عنوان معیاری برای کیفیت سود استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل (۱) استفاده می‌گردد:

$$AP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Accruals quality}_{i,t} + \beta_2 \text{Earnings variability}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{Sales growth}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

AP: حساب‌های پرداختی تجاری

Accruals quality: کیفیت ارقام تعهدی

Earnings variability: نوسان‌پذیری سود

Size: اندازه شرکت

Sales growth: رشد فروش

۵.۱. نحوه اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش اعتبار تجاری (AP) می‌باشد که از طریق تقسیم حساب‌های پرداختی تجاری شرکت i در سال t بر کل دارایی‌های آن محاسبه می‌گردد. لازم به ذکر است که هر چه این نسبت بیش‌تر باشد، اعتبار تجاری بالاتر است (پیترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ جیانتی و همکاران، ۲۰۱۱).

متغیرهای مستقل

همانطور که بیان شد در این پژوهش از دو متغیر کیفیت ارقام تعهدی و نوسان‌پذیری سود به عنوان معیاری برای کیفیت سود استفاده می‌شود.

کیفیت ارقام تعهدی

به منظور محاسبه کیفیت ارقام تعهدی از مدل دچو و دیچو (۲۰۰۲) استفاده می‌شود. مدل مذکور به شرح رابطه (۲) می‌باشد:

$$TCA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

TCA: کل ارقام تعهدی جاری

CFO: جریان نقد عملیاتی

در این مدل کل ارقام تعهدی جاری از طریق رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$TCA_{i,t} = (\Delta CA_{i,t} - \Delta Cash_{i,t}) - (\Delta CL_{i,t} - \Delta STDebt_{i,t}) \quad (3)$$

ΔCA : تغییرات دارایی‌های جاری

$\Delta Cash$: تغییرات وجوه نقد

ΔCL : تغییرات بدهی‌های جاری

$\Delta STDebt$: تغییرات در حصة جاری بدهی‌های بهره‌دار

در مدل مذکور مقدار CFO با توجه به رابطه (۴) و مقدار TA با توجه به رابطه (۵) محاسبه

می‌شوند:

$$CFO_{i,t} = NI_{i,t} - TA_{i,t} \quad (4)$$

$$TA_{i,t} = TCA_{i,t} - DEP_{i,t} \quad (5)$$

NI: سود خالص

TA: اقلام تعهدی

DEP: استهلاک

معیار تعیین کیفیت اقلام تعهدی جز باقیمانده مدل (۲) می‌باشد. مقدار کیفیت اقلام تعهدی شرکت i در سال t برابر با انحراف معیار باقیمانده شرکت در بین سال‌های t تا $t-4$ خواهد بود. لازم به ذکر است که به منظور تفسیر بهتر این متغیر، انحراف معیار باقیمانده‌ها در عدد (-1) ضرب شده است. (تروئل و همکاران، ۲۰۱۴).

نوسان‌پذیری سود

نوسان‌پذیری سود برابر با انحراف معیار نسبت سود قبل از اقلام غیرمترقبه به کل دارایی‌ها برای یک دوره پنج ساله خواهد بود (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). از آنجایی که بیش‌تر بودن نسبت مذکور نشان دهنده نوسان‌پذیری بیش‌تر سود و در نتیجه کیفیت پایین‌تر سود است، به منظور تفسیر بهتر این متغیر، انحراف معیارهای محاسبه شده در عدد (-1) ضرب می‌شوند.

متغیرهای کنترلی

شرکت‌های بزرگ‌تر توانایی بیش‌تری در تأمین مالی خارجی دارند، به گونه‌ای که کم‌تر به اعتبار تجاری متکی هستند. همچنین شرکت‌های با رشد بالا به منظور ادامه رشد خود، بیش‌تر از اعتبار تجاری استفاده می‌کنند (پیتسن و راجان، ۱۹۹۷). لذا در این پژوهش از متغیرهای اندازه شرکت و رشد فروش به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده می‌گردد.

۶. جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای قلمرو زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشند. نمونه آماری پژوهش نیز با توجه به معیارهای ذیل انتخاب شده است:

- از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته باشد.
- سال مالی شرکت مورد بررسی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- طی دوره مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

• اطلاعات مورد نیاز شرکت مورد بررسی در دسترس باشد.

علاوه بر معیارهای فوق، همانطور که بیان گردید، برای برآورد کیفیت اقلام تعهدی شرکت i در سال t لازم است مقدار جزء خطای آن شرکت از سال $t-4$ تا سال t در دسترس باشد، بنابراین کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌هایی که از سال ۱۳۸۳ وارد نمونه می‌شوند، تنها از سال ۱۳۸۷ قابل محاسبه می‌باشد. همچنین با توجه به رابطه (۲) برای محاسبه رگرسیون و به دست آوردن جزء باقیمانده، جریان‌های نقد عملیاتی یک دوره آتی مورد نیاز می‌باشد. لذا کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های نمونه تا سال ۱۳۹۲ قابل اندازه‌گیری می‌باشد. بر این اساس، تعداد ۸۸ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و از داده‌های مربوط به آن‌ها به منظور انجام پژوهش استفاده گردید.

۷. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش حاضر که شامل حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرها است، به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی

نام متغیر	تعداد مشاهدات	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اعتبار تجاری	۴۸۴	۰/۰۰۰۴	۰/۴۳۳۴	۰/۰۹۲۷	۰/۰۸۲۵
کیفیت اقلام تعهدی	۴۸۴	-۰/۱۶۰۱	-۰/۰۰۰۵	-۰/۰۵۰۲	۰/۰۲۷۲
نوسان‌پذیری سود	۴۸۴	-۰/۲۳۵۶	-۰/۰۰۵۵	-۰/۰۵۶۶	۰/۰۳۷۳
اندازه شرکت	۴۸۴	۱۰/۵۰۴۵	۱۸/۴۵۴۵	۱۳/۶۴۸۴	۱/۲۴۶۸
رشد فروش	۴۸۴	-۰/۶۰۲۱	۰/۸۶۹۵	۰/۱۶۳۰	۰/۲۴۷۵

به منظور برآورد مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، در ابتدا آزمون چاو انجام می‌گیرد. فرض صفر این آزمون، روش داده‌های تلفیقی و فرض مخالف آن روش داده‌های ترکیبی می‌باشد. با توجه به جدول ۲ سطح معناداری آزمون چاو برابر ۰/۰۰۰ بوده و کوچک‌تر از ۰/۰۰۵ می‌باشد که به معنای رد فرض صفر و انتخاب روش داده‌های ترکیبی می‌باشد. با توجه به اینکه در آزمون چاو، روش داده‌های ترکیبی انتخاب گردید، باید آزمون هاسمن نیز به منظور انتخاب بین روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی صورت پذیرد. فرض صفر این آزمون، روش اثرات تصادفی و فرض مخالف آن روش اثرات ثابت می‌باشد. با توجه به جدول ۲ سطح معناداری

آزمون هاسمن $0/0086$ به دست آمده است که نشان دهنده رد فرض صفر و انتخاب روش اثرات ثابت است.

جدول ۲: نتایج آزمون چاو و هاسمن

سطح معناداری	آماره آزمون	
۰/۰۰۰	۹/۸۳۵۹	آزمون چاو
۰/۰۰۸۶	۱۳/۶۱۷۶	آزمون هاسمن

برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس^۱ (VIF) استفاده گردید. با توجه به جدول ۳ و عامل تورم واریانس متغیرهای مستقل، می‌توان به این نتیجه رسید که بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. همانگونه که از جدول ۳ مشخص است، آماره دوربین واتسون بین $1/5$ تا $2/5$ قرار دارد، لذا می‌توان پذیرفت که بین اجزا خطا همبستگی وجود ندارد. نتایج حاصل از انجام رگرسیون به شرح جدول ۳ می‌باشد:

جدول ۳: نتایج رگرسیون

متغیر	ضریب رگرسیون	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	۰/۱۴۷۱	۱/۳۲۲۰	۰/۱۸۶۹	-
کیفیت اقلام تعهدی	۰/۳۱۴۱	۲/۰۷۶۷	۰/۰۳۸۵	۱/۴۰۸
نوسان‌پذیری سود	-۰/۱۵۱۶	-۱/۴۴۰۲	۰/۱۵۰۶	۱/۳۸۴
اندازه شرکت	-۰/۰۰۳۷	-۰/۴۶۰۲	۰/۶۴۵۶	۱/۰۲۲
رشد فروش	۰/۰۲۳۸	۲/۱۵۵۶	۰/۰۳۱۷	۱/۰۱۵
آماره F		۹/۶۹۵۷	سطح معناداری	۰/۰۰۰
آماره دوربین - واتسون		۱/۹۶۵۲	R^2 تعدیل شده	۰/۶۲

با توجه به جدول ۳ سطح معناداری آماره F مدل برابر $0/000$ به دست آمده است که بیانگر مناسب بودن مدل از لحاظ معناداری می‌باشد. فرضیه اول به این صورت بیان شد که بین کیفیت اقلام تعهدی و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون در جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب متغیر کیفیت اقلام تعهدی و سطح معناداری آن به ترتیب

1. Variance Inflation Factor

۰/۳۱۴۱ و ۰/۰۳۸۵ به دست آمده است. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر مذکور کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و علامت آن نیز مثبت می‌باشد، می‌توان بیان نمود که بین کیفیت ارقام تعهدی و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارتی دیگر، با افزایش کیفیت ارقام تعهدی، اعتبار تجاری افزایش می‌یابد. لذا فرضیه اول رد نمی‌شود.

فرضیه دوم به بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری پرداخت. با توجه به اینکه سطح معناداری متغیر نوسان‌پذیری برابر ۰/۱۵۰۶ و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به دست آمده است، ضریب متغیر مذکور معنادار نمی‌باشد. به عبارتی دیگر، بین نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری رابطه معناداری یافت نشد. لذا فرضیه دوم رد می‌گردد.

همچنین با توجه به جدول ۳ بین اندازه شرکت و اعتبار تجاری رابطه معناداری یافت نشد. اما بین رشد فروش و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار یافت گردید.

۸. نتیجه‌گیری

موضوع تأمین مالی یکی از مباحث مهم در زمینه فعالیت‌های اقتصادی یک شرکت می‌باشد. تأمین مالی کوتاه مدت از طریق اعتبار تجاری همواره مورد توجه شرکت‌ها بوده است. اعتباردهندگان در زمان اعتبار بخشیدن به مشتریان خود وضعیت آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری مالی با کیفیت عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و مشکل انتخاب نادرست و خطر اخلاقی را کاهش دهند (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). صورت‌های مالی یکی از منابع مهم برای انعکاس اطلاعات شرکت‌ها می‌باشد (بیکه و چنگ، ۲۰۰۱). از میان اطلاعات موجود در صورت‌های مالی، سود جزء اقلامی است که استفاده کنندگان از جمله اعتباردهندگان به آن توجه ویژه‌ای دارند. لذا در این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار تجاری پرداخته شد. برای اندازه‌گیری اعتبار تجاری از حساب‌های پرداختنی استفاده شده است (پترسن و راجان، ۱۹۹۷). همچنین به منظور اندازه‌گیری کیفیت سود از دو معیار کیفیت ارقام تعهدی و نوسان‌پذیری سود استفاده گردید. برای اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی از مدل دچو و دیچو (۲۰۰۲) و برای اندازه‌گیری نوسان‌پذیری سود همانند فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) از انحراف معیار نسبت سود به کل دارایی‌ها استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین کیفیت ارقام تعهدی و اعتبار تجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، به عبارت بهتر با افزایش کیفیت ارقام تعهدی، اعتبار تجاری افزایش می‌یابد و این در حالی است که بین نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری رابطه معناداری یافت نشد.

می‌توان گفت که شرکت‌هایی که به دنبال کسب اعتبار تجاری می‌باشند و می‌خواهند از مزایای اعتبار تجاری استفاده کنند باید دارای مؤلفه‌های لازمه از جمله داشتن ارقام تعهدی با کیفیت بالا باشند تا بتوانند نظر اعتباردهندگان را جلب کرده و اعتبار کسب کنند، و اعتباردهندگان نیز باید تحلیل‌های مورد نیاز را در این زمینه به عمل آورند. نتایج حاصل از این پژوهش یعنی وجود رابطه مثبت و معنادار میان کیفیت ارقام تعهدی و اعتبار تجاری، و همچنین عدم وجود رابطه معنادار میان نوسان‌پذیری سود و اعتبار تجاری، همانند نتایج به دست آمده توسط گارسیا و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد.

۹. محدودیت‌های پژوهش

بازه زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. بنابراین ممکن است نتایج این پژوهش به دلیل تغییرات شرایط اقتصادی و تأثیرات آن بر سود، قابل تعمیم به سال‌های قبل و بعد از این بازه زمانی نباشد.

۱۰. پیشنهاد‌های پژوهش

در این پژوهش رابطه میان کیفیت سود و اعتبار تجاری سنجیده شده است. لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی تأثیر سایر عوامل دیگر که روی اعتبار تجاری تأثیر دارند، سنجیده شود.

منابع

- حقیقت، ح. و معتمد، م. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود". *مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۳ (۲)، ۶۱/۳، ۶۵-۸۷.
- خواجه‌جو، ش.، قدیریان‌آرانی، م. و فتاحی، ح. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه کیفیت سود و تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *مجله بررسی‌های حسابداری*، ۱ (۳)، ۱۹-۳۹.
- دستگیر، م. و رستگار، م. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود)، اندازه ارقام تعهدی و بازده سهام با کیفیت ارقام تعهدی". *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳ (۱)، ۱-۲۰.
- دستگیر، م. و غنی‌زاده، ب. (۱۳۹۳). "تأثیر کیفیت سود بر دارایی‌های ثابت مشهود و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت". *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۶ (۲۳)، ۷۵-۹۷.
- رحیمیان، ن. و همتی، ح. و سلیمانی‌فرد، م. (۱۳۹۱). "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *مجله دانش حسابداری*، ۳ (۱۰)، ۱۵۷-۱۸۱.

قربانی، ب.، فروغی، د. و امیری، ه. (۱۳۹۲). "تأثیر کیفیت سود بر تغییرات بازده غیر متعارف سهام". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۶ (۲۳)، ۳۶-۵۵.

نیکومرام، ه. و امینی، پ. (۱۳۹۰). "کیفیت سود و هزینه سرمایه". دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۴ (۱۰)، ۱۸۳-۲۱۵.

Bharath, S.T., Sunder, J. and Sunder, S.V. (2008). "Accounting Quality and Debt Contracting". *The Accounting Review*, 83 (1): 1-28.

Bhattacharya, N., Ecker, F., Per. M. Olsson and K. Schipper. (2011). "Direct and Mediated Associations Among Earnings Quality, Information Asymmetry, and the Cost of Equity". *Accounting Review*, 87 (2): 449-482.

Boissay, F and Gropp, R. (2007). Trade Credit Defaults and Liquidity Provision by Firms, European Central Bank Working paper series.

Bougheas, S., Mateut, S. and Mizen, P. (2009). "Corporate Trade Credit and Inventories: New Evidence of a Trade-off from Accounts Payable and Receivable". *Journal of Banking and Finance*, 33 (2): 300-307.

Cunat, V. (2007). "Trade Credit: Suppliers as Debt Collectors and Insurance Providers". *Review of Financial Studies*, 20 (2): 491-527.

Dechow, P. and Dichev, I. (2002). "The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors". *The Accounting Review*, 77 (s-1): 35-59.

Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010). "Understanding Earnings Quality: A Review of their Proxies, their Determinants and their Consequences". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 344-401.

Deloof, M. and Jegers, M. (1996). "Trade Credit, Product Quality, and Intragroup Trade: Some European Evidence". *Financial Management*, 25 (3): 33-43.

Ferrando, A. and Mulier, K. (2012). Do Firms Use the Trade Credit Channel to Manage Growth? Working Paper.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P.M. and Schipper, K. (2004). "Costs of Equity and Earnings Attributes". *The Accounting Review*, 79 (4): 967-1010.

Francis, J., LaFond, R., Olsson, P.M. and Schipper, K. (2005). "The Market Pricing of Accruals Quality". *Journal of Accounting and Economics*, 39 (2): 295-327.

Gertler, M. and Bernanke, B.S. (1995). "Inside the Black Box: the Credit Channel of Monetary Policy Transmission". *Journal of Economic Perspectives*, 9 (4): 27-48.

- Giannetti, M., Burkart, M. and Ellingsen, T. (2011). "What You Sell Is What You Lend? Explaining Trade Credit Contracts". *Review of Financial Studies*, 24 (4): 1261-1298.
- Graham, J.R., Harvey, C.R. and Rajgopal, S. (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting". *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1-3): 3-73.
- Healy, P.M. and Palepu, K.G. (2001). "Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: A Review of the Empirical Disclosure Literature". *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3): 405-440.
- Lee Y.W. and Stowe, J.D. (1993). Product Risk, Asymmetric Information, and Trade Credit". *Journal of Finance and Quantitative Analysis*, 28 (2): 285-300.
- Long, M.S., Malitz, I.B. and Ravid, S.A. (1993). "Trade Credit, Quality Guarantees, and Product Marketability". *Financial Management*, 22 (4): 117-27.
- Mian, S. and Smith, C. (1992). "Accounts Receivable Management Policy: Theory and Evidence". *Journal of Finance*, 47 (1): 167-200.
- Niskanen, J. (2006). "The Determinants of Corporate Trade Credit Policies in a Bank-Dominated Financial Environment: the Case of Finnish Small Firms". *European Financial Management*, 12 (1): 81-102.
- Petersen, M. and Rajan, R. (1997). "Trade Credit: Theories and Evidence". *Review of Financial Studies*, 10 (3): 661-691.
- Pike, R. and Cheng, N.S. (2001). "Credit Management: An Examination of Policy Choices, Practices and Late Payment in UK Companies". *Journal of Business Finance & Accounting*, 28 (7-8): 1013-1042.
- Pike, R., Cheng, N.S., Cravens, K. and Lamminmaki, D. (2005). "Trade Credits Terms: Asymmetric Information and Price Discrimination Evidence from Three Continents". *Journal of Business Finance & Accounting*, 32 (5-6): 1197-1236.
- Scherr, F.C. and Hulburt, H.M. (2001). "The Debt Maturity Structure of Small Firms". *Financial Management*, 30 (1): 85-111.
- Sloan, R. (1996). "Do Stock Prices Fully Reflect Information in Accruals and Cash Flows about Future Earnings?". *The Accounting Review*, 71 (3): 289-315.
- Teruel, G.J. Solano, P.M. and Ballesta, J.S. (2014). "Supplier Financing and Earnings Quality". *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9) & (10): 1193-1211.
- Trueman, T. and Titman, S. (1988). "An Explanation for Accounting Income Smoothing". *Journal of Accounting Research*, 26 (supplement): 127-139.